

بررسی تاریخی - توصیفی کنیسه‌های تهران

یاسمن غنی^۱

چکیده

یهودیان در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود به هر نقطه‌ای که قدم می‌گذاشتند مکانی را برای انجام امور مذهبی و اجتماعی در نظر می‌گرفتند. پس از تخریب معبد دوم بیت‌المقدس توسط رومی‌ها، کنیسه برای انجام فرایض مذهبی، جایگزین معبد شد. کنیسه‌ها در ابتدا بصورت اتاقکی ساده و کوچک در گوشه‌ی منازل مسکونی بودند اما رفته رفته بصورت بناهایی مستقل مانند آنچه امروزه میبینیم درآمدند. قدمت حضور یهودیان در ایران که به کلیمیان مشهورند، به ۲۷ قرن پیش باز می‌گردد اما این حضور در شهر تهران قدمتی دویست ساله دارد. از اواخر دوره افشار تا پایان دوره‌ی پهلوی بیش از ۳۰ کنیسه در محلات مختلف شهر تهران ساخته شد که امروزه بسیاری از آنان تخریب و یا غیرفعال شده‌اند. اولین کنیسه‌ها در محله عودلاجان برپا شد و به مرور با مهاجرت یهودیان به سایر محلات در دوره‌های بعد کنیسه‌های بزرگتری ساخته شد که نمود بیرونی شاخص‌تری یافت و در برخی موارد به بخشی از یک مجموعه‌ی فرهنگی-آموزشی تبدیل شد. هدف از انجام این پژوهش، ضمن بررسی پیشینه‌ی تاریخی حضور کلیمیان در ایران، رسیدن به پاسخ پرسش‌های زیر است: ۱. یهودیان از چه زمان و به چه دلیل به تهران مهاجرت کردند؟ ۲. اولین کنیسه‌ها در تهران کدام بود و در چه شرایطی ساخته شد؟ ۳. علت مهاجرت یهودیان به سایر محلات تهران چه بود و در اثر این مهاجرت‌ها کدام کنیسه‌ها تاسیس شد؟ این پژوهش از نوع پژوهشهای بنیادی است و بر پایه‌ی منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی استوار است.

واژگان کلیدی: کنیسه، تهران، یهودیان، کلیمیان، عبادتگاه.

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
(yasamangh39@gmail.com)

نخستین بار پس از حمله آشوریان به سرزمین مقدس در 2700 سال پیش بود که مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های مادی آغاز شد. بار دوم، پس از حمله بخت النصر بابلی و فتح اورشلیم در 2500 سال پیش بسیاری از یهودیان، اسیر و به بابل برده شدند و پس از فتح بابل توسط کوروش شاهنشاه هخامنشی در سال 538 ق.م، عده زیادی از آنها به ایران مهاجرت کردند و در بخش‌های مرکزی و جنوبی ایران ساکن شدند. در زمان برپایی معبد اورشلیم، معبد، محل عبادت و اجرای مراسم مذهبی بود و قربانی دادن یک فریضه واجب بود اما پس از خرابی معبد دوم توسط رومی‌ها در قرن اول م، نماز خواندن به تدریج جای قربانی دادن را گرفت و نیاز به مکانی جهت انجام آن، باعث بوجود آمدن اولین کنیسه‌ها شد. کنیسه که در عبری «בֵּית הַכְּנִסֵּת» نام دارد و کلیمیان¹ به آن «کنیسا» می‌گویند، در معنای لغوی به مفهوم «خانه اجتماع» است و محل عبادت و تجمع یهودیان محسوب می‌شود. در اواخر دوره افشار و اوایل حکومت قاجار، با مهاجرت کلیمیان از سایر شهرها به شهر تهران و پراکندگی سکونت در آن، نیاز به تاسیس چنین اماکنی برای حفظ اتحاد و انجام فرایض دینی ضروری می‌نمود که موجب ساخت کنیسه‌های متعدد در این شهر شد.

تاریخچه حضور یهودیان در ایران

پس از پایان سلطنت حضرت سلیمان (ع) در هزاره اول ق.م، به علت اختلاف میان جانشینان، سرزمین مقدس به دو کشور اسرائیل در شمال و کشور یهودا در جنوب تقسیم شد. کشور اسرائیل در قرن 8 ق.م توسط آشوریان و کشور یهودا در قرن 6 ق.م توسط بخت النصر بابلی تصرف شد. پس از تصرفات صورت گرفته در قرن 8 ق.م جمعیت رانده شده آن نواحی در مناطق شرقی از جمله شهرهای مادی که متعلق به مادها بود ساکن شدند، اما سرنوشت نهایی بیشتر آنها هیچگاه معلوم نشد (دوم پادشاهان، 6:17 و 11:18 و فینکلشتاین، 1396: 336). در طی تصرفات قرن 6 ق.م که توسط بخت النصر بابلی صورت گرفت، نیز بخشی از آوارگان به ایران کوچ کردند و به مرور از نظر وضع سیاسی و اجتماعی بر دیگران برتری یافتند، بطوری که همزمان با روی کارآمدن هخامنشیان و اعلام «فرمان ساختن اورشلیم توسط کوروش» در 538 ق.م یهودیان ایران پیشوائی سایر یهودیان را داشتند. بیشتر مهاجرت‌های یهودیان به ایران از سال 535 تا 534 ق.م. که کمبوجیه در بابل به نیابت از پدرش کوروش قدرت را در دست گرفت، صورت گرفت و تا سال 521 ق.م. (سال دوم سلطنت داریوش بزرگ) به مدت 14 سال ادامه یافت و قطعاً بعدها نیز ادامه داشته است چنانکه بعد از تخریب معبد دوم در سال 70 میلادی توسط رومیان

¹ لفظی که تنها در ایران برای یهودیان به علت پیروی از حضرت موسی کلیم الله به کار می‌رود

بسیاری از یهودیان به سمت شرق آمده و در ایران ساکن شدند (دوم پادشاهان، 6:17 و 11:18 و فینکلشتاین، 1396:336) نخستین اسیران اسرائیل در منطقه دماوند ایران ساکن شدند و آنجا را بواسطه شباهتی که از نظر جغرافیایی با منطقه جلعاد در سرزمین مقدس داشت، گیلعاد یا جلعاد¹ نامیدند. در دوره هخامنشی جمعیت این شهر بسیار زیاد بود و مردمان آن بیشتر از همه ثروتمند بودند، از همین رو عزرای کاتب در آخرین سفر خود به گیلعاد رفت تا شاید بتواند مردمان آنجا را برای ساخت معبد اورشلیم ترغیب کند اما یهودیان که از مهربانی و بزرگواری هخامنشیان در آرامش و آسایش بودند پیشنهاد عزرا را نپذیرفتند و ایران را ترک نکردند (لوی، 1335، ج 1: 88، 202-204؛ قائمی، 1349: 37-39) یهودیان ایران را می توان قدیمی ترین اقلیت مذهبی این سرزمین دانست که با گذشت قرون متمادی به یکی از اقوام جامعه ملی ایران تبدیل شدند. زبان فارسی زبان مادری کلیمیان در ایران است و زبان عبری تنها زبان دینی آنها برای انجام فرایض مذهبی است.

تاریخچه مهاجرت یهودیان به شهر تهران

تاریخ دقیق اولین مهاجرت یهودیان به تهران به درستی مشخص نیست اما می دانیم تاسیس جامعه یهود تهران در سال 1745م در عصر نادرشاه انجام شد (لوی، 1339، ج 3: 470-471) و پس از پایتخت شدن تهران توسط آغا محمدخان، بسیاری از یهودیان به آن امید که اقتدار حکومت حافظشان است از گیلعاد دماوند، شیراز، کاشان و اصفهان به تهران مهاجرت نمودند و در آن هنگام جمعیتشان کمتر از پانزده هزار نفر بود. بدین سان می توان سکونت یهودیان در تهران را از اواخر دوره افشار و آغاز سلطنت قاجار قطعی دانست. در سال 1205 شمسی یکصد خانواده در تهران زندگی می کردند که در سال 1226 شمسی به 300 خانواده و در سال 1228 ش به 500 خانواده رسید (لوی، 1339، ج 3: 525).

پراکندگی سکونت یهودیان در تهران

ملاحظات شرعی نزد یهودیان اهمیت زیادی داشت و آنها به منظور نزدیکی به قصابی و لبنیات فروشی کاشیر² و میقوه³ و شرکت در مراسم مذهبی در کنیسه ها، از دوره فتحعلیشاه صاحب محله مخصوصی در تهران شدند که در اودلاجان واقع بود و به مرور با عنوان محله کلیمیان شهرت یافت. به دلیل وجود یک چال در در وسط محله، ساکنان آن جا را «بچه های سرچال» هم می نامیدند (تکمیل همایون، 1395: 13-14) همزیستی دینی در محله کلیمیان تهران (بر خلاف آنچه که در گتو⁴های اروپایی سابقه داشته و

¹ Gilead

² هر چیزی که مطابق شرع یهود تهیه شده باشد را «کاشیر» گویند که به معنای حلال است.

³ گرمابه شرعی.

⁴ گتوها محله های مجبور در اروپا بود که یهودیان مجبور به اقامت دسته جمعی در آن بودند.

موجب زندگی سخت و مصیبت بار این قوم شده بود) آسایش، رفاه و تسهیلات نسبی برای ساکنان یهودی را به همراه داشت (مصاحب، 1381، ذیل «گتو»؛ تکمیل همایون، 1395: 16 و 17؛ سرشار، 1384: 107) محله کلیمیان در وسط اودلاجان قرار گرفته بود و از شش طرف به محله مسلمانان راه داشت و کدخدایانی داشت که از میان ساکنان محله انتخاب می شدند (لوی، 1339، ج 3: 674). در دوره پهلوی اول با گسترش شهر تهران و پدید آمدن محله های جدید، یهودیان متمول اودلاجان را ترک کردند و به سمت بخش های شمالی و شرقی تهران مهاجرت کردند. به احتمال زیاد اولین سکونتگاه آنان بعد از اودلاجان، مناطق اطراف خیابان موسوم به شیخ هادی کنونی در منطقه حسن آباد بوده است. در آن محل سایر اقلیت ها چون ارامنه و زرتشتیان نیز ساکن بودند (تکمیل همایون، 1395: 33-34). در دوره دوم پهلوی کلیمیان به مرور به مناطقی چون یوسف آباد و خیابان فلسطین شمالی نقل مکان کردند و امروزه بیشتر در این محلات ساکن هستند. کلیمیان تهران پس از ارامنه، دومین اقلیت دینی به لحاظ تعداد جمعیت به حساب می آیند و بطور پراکنده، 30 کنیسه، بیمارستان، سرای سالمندان یهود، آرامستان، کشتارگاه ذبح و محل پخت فطیر (مصا) برای ایام عید پسخ و تعداد زیادی مدارس و مراکز آموزشی و فرهنگی دارند.

اوضاع سیاسی - اجتماعی یهودیان تهران در عصر قاجار

آغامحمدخان بنیانگذار سلسله قاجار به منظور اسکان یهودیان در تهران اقداماتی انجام داد و با آنکه خواجه بود دختری یهودی به نام مریم که از کلیمیان مهاجر به تهران بود را به عقد خود درآورد. پس از فوت آغامحمدخان، فتحعلیشاه قاجار مریم خانم را به عقد خود درآورد (لوی، 1339، ج 3: 531) فتحعلشاه چندین زن یهودی داشت که در کتاب نسخ التواریخ نام و نشان آن ها آمده است (لوی، 1339، ج 3: 530) مسلما این روابط در سرنوشت یهودیان، خاصه در تهران، تأثیرات فراوان گذاشت و اگر یهودستیزی را به کلی از بین نبرد، در کاهش دادن آن بسیار موثر بود (تکمیل همایون، 1395: 49) در زمان فتحعلی شاه قاجار دروازه های شهر تا پاسی از شب برای ورود قافله ها باز بود و برای بستن دروازه ها یهودیان را به کار گرفته بودند (لوی، 1339، ج 3: 577) در دوره محمدشاه و ناصرالدین شاه که مصادف با پیدایش فرقه بابیه و تبلیغات بابیه بود بخشی از یهودیان همانند بعضی از مسلمانان بابی و بهایی شدند. محمدشاه نسبت به یهودیان علاقمندی داشت و گاه گاهی به محله یهودیان (اودلاجان) می آمد و یهودیان به پیشوازش می رفتند و به پای او گوسفند قربانی می کردند (لوی، 1339، ج 3: 649؛ تکمیل همایون، 1395: 51) در قرن 19م غربی ها به بهانه حمایت از اقلیت ها، نفوذ خود را در کشورهای اسلامی افزایش دادند. آنها طی دیدارهایی با ناصرالدین شاه در اروپا خواستار بهبود وضع یهودیان شدند.

ناصرالدین شاه تا پیش از این سفرها شناختی از یهودیان نداشت. در سال های بعد با حمایت آمریکا مدارس یهودی در تهران، اصفهان و شیراز افتتاح شد (نقوی، 1389: 92) ایجاد اولین مدرسه مربوط به کلیمیان مقارن با تأسیس دارالفنون بود (حکمت، 1343: 1194) در زمان مظفرالدین شاه نیز در کنار بازگشایی مدارس مختلف در گوشه و کنار کشور، مدارس برای اقلیت های دینی از جمله کلیمی ها و زرتشتی ها تأسیس شد (هدایت، 1363: 164-165) با تأسیس مدارس یهودی به کمک اتحادیه جهانی بنی اسرائیل، سطح آموزش یهودیان از سال 1898 به طور قابل توجهی بالا رفت و در ایران 11 مدرسه با بیش از دو هزار دانش آموز تأسیس شد. افتتاح مدارس آلیانس در ایران سرآغاز فرهنگ نوین جامعه یهودیان گردید. سالها بعد نام این مدارس از آلیانس به اتحاد تغییر یافت. استقبال زیاد مردم از این مدارس سبب شد بعدها مدارس مانند کوروش در تهران بنا گردد (آقالرپور، 2005: 443). با انقلاب مشروطیت، گشوده شدن مجلس شورای ملی و حضور نمایندگان اقلیت های مذهبی، یهودیان نسبت به گذشته آزادی های اجتماعی بیشتری یافتند و به راحتی و آسایش نسبی رسیدند (مصطفوی، 1369: 131-132).

اوضاع سیاسی - اجتماعی یهودیان تهران در عصر پهلوی

به دستور رضاشاه در آغاز دوره پهلوی، ساختار شهر تهران و به تبعیت از آن محله اودلاجان دستخوش تغییرات شد. با ایجاد خیابان سیروس (مصطفی خمینی) در امتداد خیابان مجلس شورای اسلامی، اودلاجان به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد و نیمی از ساکنان محله (مسلمان و یهودی) در شرق خیابان سیروس (محله جدید اغنای کلیمی) و نیمی دیگر در غرب خیابان (محله طبقه متوسط و کم بضاعت) سکنی گزیدند (تکمیل همایون، 1395: 97) در دوره دوم سلطنت پهلوی خیابان پامنار تعریض شد و محله را قطعه قطعه کرد و حاصل این تغییرات سه بخش شدن کلان محله اودلاجان به اودلاجان غربی، میانی و شرقی شد. پس از چند قطعه شدن اودلاجان و تزلزل در آن، ساکنان محله کم کم به محلات آباد تهران به ویژه شمال شهر تغییر سکونت دادند و مهاجران جنگی و افغان های گریخته از کشورشان ساکنان بعدی این محله شدند (تکمیل همایون، 1393: 86-87). در دوران حکومت پهلوی دولت ایران بر ارزش های ملی و دوران پیش از اسلام تأکید کرد و این جریانات سبب افزایش قدرت یهودیان در ایران شد و اولین یهودی به مجلس راه یافت (نقوی، 1389: 92) همچنین در این دوره فعالیت های صهیونیستی در ایران قانونی اعلام شد (تاج پور، 1353: 139-140) و گرایش های صهیونیستی که پدیده ای غربی و برخاسته از یهودستیزی های اروپایی و عصر سرمایه داری بود موجب چند دستگی و اختلاف و نفاق در محله اودلاجان شد که روزگاری وحدت یهودیان در آن دیده می شد (تکمیل همایون، 1395: 52-54) از 1948 تا 1968 م یعنی در حکومت پهلوی، هیچ تعرضی به یهودیان ایران گزارش نشده است. تعداد

یهودیان در ایران در سال 1948، 95 هزار نفر در سال 1968 هشتاد هزار نفر و پس از انقلاب 1979، سی هزار نفر و در سال 1992 به شانزده هزار نفر رسید (نقوی، 1389: 94).

پیشینه محله اودلاجان (عودلاجان)

نام عودلاجان صورت تعریب یافته «اودلاجان» و به معنی «محل پخش و تقسیم آب» است (شهیدی، 1383: 49). محله اودلاجان در دوره قاجار به صورت یکی از 5 کلان محله مشهور تهران درآمد و به این نام خوانده شد و به غلط عودلاجان نوشته شد. در شمالی ترین نقطه آن بقعه پیرعطا بود با گورستانی در کنارش و امامزاده یحیی با چنار 900 ساله اش در شمال شرقی آن قرار داشت (تکمیل همایون، 1377، ج 1: 28) «محله ی کلیمی ها» واقع در محله بزرگتر اودلاجان در غرب خیابان سیروس و مقر عطفروشان و ادویه فروشان بود که به دلیل سکونت کلیمیان به این نام معروف گردیده بود. در محله کلیمیان، مسلمانان نیز زندگی می کردند و مساجد و اماکن مقدس خود را داشتند و کلیمیان نیز در کوچه ها و زیرمحله های مسلمانان زندگی اجتماعی و دینی خود را داشتند. (مصطفوی، 1369: 96-97؛ تکمیل همایون، 1395: 79) یهودیان تهران نسبت یهودیان دیگر شهرها از وضع بهتری برخوردار بودند، و یهودانه بر سینه نداشتند تا به واسطه آن شناخته شوند. یهودی ها در عزاداری مسلمانان شرکت می کردند و در مواردی خود برپاکننده چنین مجالسی بودند و مسلمانان در هیچ موردی از انجام فرائض مذهبی کلیمیان جلوگیری نمی کردند. در جغرافیای کوچک محله چهارده کنیسه و دو مسجد وجود داشت (یشایایی، 1388: 11-12) یهودیان گاهی برای رفع حاجت و نیازمندی به زیارتگاههای مسلمانان در محله می رفتند. مسلمانان نیز در بازگشت یهودیان از زیارتگاههایشان مراسم احترام قائل می شدند. گاه برحسب تعصب و جهل، مسائل ناخوشایند و خلاف عرف در محله روی می داد که دسیسه های اجانب چون انگلیس و اسرائیل نیز در آن دیده می شد (تکمیل همایون، 1395: 66).

تاریخچه تاسیس کنیسه

قوم بنی اسرائیل پس از خروج از مصر به مدت چهل سال در بیابان سینا به سر بردند. آنها در این مدت در چادرهای بزرگی بودند که در آن مسائل عبادی و شرعی توسط حضرت موسی و بزرگان قوم آموزش داده می شد. پس از ورود قوم بنی اسرائیل به سرزمین مقدس و در زمان پادشاهی حضرت سلیمان نبی، معبد بزرگی در این شهر ساخته شد که در آن علاوه بر نماز و دعا، حیوانات حلال گوشت در مکان مخصوصی قربانی می شد. این معبد که بیت همیقداش یا خانه مقدس نامیده می شد، مهمترین مکان مذهبی و بزرگترین معبد یهودیان بود (ناس، 1354: 148 و سنگتراش، 1398: 8). اما کنیسه به معنای امروزی در واقع در خلال اسارت بابلی در قرن شش قبل از میلاد به وجود آمد. در آن هنگام نقش کنیسه به

صورت محل اجتماع یهودیان بود (هینلز، 1385: 386) و در زبان عبری برای مفهوم کنیسه کلمهٔ «بِت هَکَنِسِت» را به کار برده اند که به معنای محل اجتماع است و بیشتر نمایانگر کارکرد اجتماعی-تاریخی آن است تا عملکرد روحانی (کوهن شربوک، 1394: 86). پس از بازگشت یهود از بابل، جامعهٔ دینی نظام تازه‌ای یافت و معابدی ساخته شد، که بعداً کنیسه یا کِنِشت نامیده شد. واژهٔ کنیسه عربی است و ایرانیان کلمی این واژه را با تلفظ کَنِسا بیان می‌کنند. در زبان آرامی به نیایشگاه یهود، «بِت هَکَنِشتا» گویند. زبان یهودیان بابل آرامی بوده و آنان این زبان را با خود به ایران نیز آوردند و احتمالاً این واژه به مرور زمان در زبان یهودیان ایرانی به کَنِسا تبدیل شده است (دقیقیان، 1378: 127). کنیسه برای یهودیان در ساده‌ترین شکل، یک مکان نیایش است. پلان آن معمولاً مستطیل شکل، در جهت شرقی-غربی و معماری آن متأثر از معماری پیرامون خود است. در قسمت غربی فضای داخلی، بخشی قرار دارد که معمولاً در داخل دیوار و شبیه به گنجه است که به آن «هَخال» می‌گویند. هَخال در واقع محراب بنا و محل نگهداری طومارهای تورات است و بیشترین تزئینات بنا دور تا دور آن به کار می‌رود. این قسمت مقدس‌ترین و مهمترین بخش در کنیسه است. با کمی فاصله، در جلوی هَخال سکو یا میزی قرار دارد که جایگاه پیشنماز است. جایگاه نمازگزاران نیز بر روی صندلی‌های چیده شده در جبهه‌های شرقی، شمالی و جنوبی فضای داخلی است. در کنیسه‌های قدیمی جایگاه بانوان معمولاً به صورت نیم طبقه در بالای بخش شرقی قرار دارد اما در کنیسه‌های مدرن این جایگاه در همان طبقهٔ اصلی و تنها به وسیلهٔ حفاظی از جایگاه آقایان مجزا شده است. یهودیان برای برگزاری نیایش جمعی در کنیسه گرد هم می‌آیند. آنها روزی سه بار^۱ نماز می‌گزارند و قبله‌شان رو به اورشلیم و به سمت غرب است. نمازگزاران می‌توانند نماز روزانهٔ خود را در هرجایی به صورت انفرادی برپا کنند، اما برخی نمازها تنها به صورت جماعت ادا می‌شود و لازم است که حداقل ده مرد بالغ در کنیسه حضور داشته باشند^۲. در این حال یک نفر که معمولاً مسن تر از سایرین است و عبری توراتی را خوب می‌داند، جلو می‌ایستد و قسمت‌هایی از تورات یا دعاها را می‌خواند و اصطلاحاً حَزَن یا شالِیح صیپور^۳ است. طبق سنت یهود انجام نماز به صورت جماعت ثواب بیشتری از نماز فرادا دارد و کنیسه در میان یهودیان بالاترین حرمت را بعد از معبد اورشلیم داراست.

پیدایش اولین کنیسه‌ها در تهران

^۱ صبح، بعد از ظهر و شامگاه

^۲ در زبان عبری به نماز «تِفِیلا» گویند

^۳ به آن ده مرد بالغ «مِنیان» گویند

^۴ حَزَن به معنی قاری و شالِیح صیپور به معنی پیشنماز

حکومت‌هایی که بر پایهٔ مذاهب شکل گرفته‌اند، عموماً معماری شاخص مذهبی ایجاد کرده‌اند. اما در میان مذاهب مختلف، یهود تنها دینی است که سبک ویژه‌ای در معماری مذهبی خود ایجاد نکرده است زیرا پس از تخریب معبد دوم یهودیان بطور کامل پراکنده شدند و دیگر حکومت دینی نداشتند (پاپادوپولو، 1368: 9-10). کنیسه همانند مساجد اسلامی، محل عبادت و آموزش‌های مذهبی کلیمیان است و در هر شهری که جماعت کلیمی پدید می‌آمد، کنیسه‌ای هم برای عبادت و مراسم سنتی ساخته می‌شد. بطور کلی می‌توان گفت، که از اواخر سلسله قاجاریه در ایران بنای اولیهٔ کنیسه‌ها در تهران شکل گرفت. در حدود 110 تا 115 سال پیش، کلیمیان در محلهٔ اودلاجان تهران اولین کنیسه‌ها را ساختند که در واقع اتاقی ساده از یک خانه بود که به محل عبادت اختصاص داده شده بود. اما به طور رسمی نخستین کنیسهٔ محله کلیمیان تهران به نام «کنیسه حاجی برخوردار» در زمان فتحعلیشاه ساخته شد و از قرار کنیسه‌ای بود در خور جمعیت کلیمی آن زمان؛ اما به مرور که جمعیت کلیمیان افزایش یافت شمار کنیسه‌های ساخته شده هم زیاد شد. لرد کروزن در دوره سوم سلطنت ناصرالدین شاه تعداد کنیسه‌های محله کلیمیان را ده باب نوشته است. وی شمار کلیمیان را در تهران چهار هزار تن دانسته و شغل بیشتر آنان را طبابت، تجارت، دلالی و شراب سازی ذکر کرده است (کروزن، 1347، ج 1: 430) در گذشته دو کنیسه در محله کلیمیان بسیار مشهور بودند، نخست کنیسهٔ یعقوب و پسرش عزرا یعقوب که هنوز هم پابرجاست. این کنیسه در گذشته آب انبار بزرگی داشت که کلیمیان محله از آن برخوردار بودند. دوم، کنیسه حاداش (نو) که در دوره جنگ جهانی دوم به لهستانی‌ها تعلق گرفت و پس از پایان جنگ مدتی افغان‌ها در آن سکونت داشتند. پس از آن انجمن کلیمیان تهران با کمک سازمان میراث فرهنگی آن را بازسازی کردند و اکنون یکی از زیباترین کنیسه‌های موجود است. در دورهٔ قاجار، به علت افزایش جمعیت مهاجران از شهرستان‌ها به تهران، در حدود دوازده کنیسه (از جمله کنیسه خاله، کنیسه حکیم، کنیسه الیعازار، کنیسه حاجی، کنیسه شیرازی‌ها، دماوندی‌ها و ...) وجود داشت که متعلق به خانواده‌ها یا مهاجران کلیمی شهرهای خاص بود و از آنها در اوقات برپایی نمازهای روزانه استفاده می‌شد. کنیسه‌های بزرگ به ویژه کنیسه عزرا یعقوب علاوه بر مراسم رسمی مذهبی محل تدریس و خواندن و آموزش کتاب‌های مقدس به زبان عبری و حتی آموزش فارسی به خط عبری نیز بوده است و یهودیان در طاقچه‌هایی خاص از کنیسه‌ها، کتب مقدسه خود (تورات، تلمود، سیدور¹ و...) را جای می‌دادند (لوی، 1339، ج 3: 1039؛ تکمیل همایون، 1395: 84-85).

کنیسه‌های تاسیس شده در تهران (به ترتیب حروف الفبا)

¹ کتاب نمازهای روزانه

1. کنیسه ابریشمی: واقع در خیابان فلسطین شمالی، خیابان مرتضی زاده. کنیسه ابریشمی در سال 1344 ش توسط آقاجان ابریشمی برای مهاجران به این منطقه در دوطبقه بنیان نهاده شد. طبقه همکف و اول در انحصار یک مرکز آموزشی در مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان بوده و طبقه دوم آن به عنوان محل عبادتگاه می باشد. در آن یک میقوه نیز جهت انجام غسل شرعی قرار دارد. در معماری این کنیسه الگوی ثابت و مشابهی که در بین کنیسه‌های قدیمی مشترک می باشد دیده نمی شود و همانند کنیسه‌های ساخته شده در دوران معاصر از سبکی نوین برخوردار است.

2. کنیسه اتحاد(ژاله): واقع در نزدیکی میدان بهارستان، خیابان مجاهدین اسلام. نام کنیسه برگرفته از نام سازمان جهانی آلیانس است که در ایران با عنوان اتحاد معروف شد و همچنین به علت قرارگیری در سه راه ژاله سابق به آن ژاله نیز گویند. این کنیسه از نوع کنیسه‌های متاخر است که در اواخر دوره پهلوی ساخته شده و فضای داخلی آن همانند خانه‌های مسکونی است که با اندک تغییراتی تبدیل به کنیسه شده است.

3. کنیسه اتفاق(عراقی‌ها): واقع در خیابان انقلاب، خیابان قدس. این بنا در اواسط سال 1326 ش توسط یک مهندس یهودی عراقی به نام مایر عبدالله برای مهاجران یهودی عراقی که پس از جنگ جهانی دوم از کشور عراق رانده شدند طراحی و ساخته شد. وزارت فرهنگ و هنر آن زمان نام «اتفاق» را برای کنیسه مذکور برگزید. طرح بنای کنیسه از سبک معماری بابلی الهام گرفته و بنای کنیسه در مجاورت حیاط مدرسه اتفاق در ضلع شمالی آن و به طور مستقل از ساختمان مدرسه بنا گردیده است.

4. کنیسه اسحق حکیم(پسیان): واقع در محله زعفرانیه، خیابان پسیان، شارستان سوم. این کنیسه در سال 1332 ش با همت اسحق حکیم بنیاد نهاده شد و بنا بر وصیت ایشان جهت توسعه آن، در سال 1349 ش توسط همسرش طوبا حکیم ساختمان جدیدی در زمینی به مساحت هزار متر مربع با طراحی نوین ساخته شد. اساس طرح و نقشه بنای سالن و صحن کنیسه با تلفیقی از معماری 8 ضلعی اصیل ایرانی طرح ریزی گردیده است.

5. کنیسه اورشرگا: واقع در خیابان سپاه، پل چوبی. این کنیسه در دوره پهلوی توسط ملایوسف اورشرگا نوۀ بنا شده است. ساختمان آن بسیار ساده و همانند منازل مسکونی همان دوره است که امروزه به دلیل بی توجهی به آن فاقد کاربری گشته است.

6. کنیسه باغ صبا: واقع در کوی باغ صبا، خیابان دکتر شریعتی، خیابان مقدم. این بنا یکی از کنیسه‌های مهم کلیمیان در شمال شرق تهران است که به صورت زیر مجموعه‌ای از یک مجتمع فرهنگی مشتمل بر کتابخانه، تالار پذیرایی، کنیسه کوچکتر در طبقه اول و کلاس‌های درس ساخته شده است. معماری و

ساختار فضایی هر دو کنیسه تحت تأثیر معماری مدرن و بنای اصلی می باشد. این کنیسه در اوایل دهه 1330 ش با همت جمعی از خیرین و همیاری ساکنین کوی باغ صبا تأسیس گردید.

7. کنیسه پل چوبی: واقع در خیابان انقلاب، پل چوبی، کوچه فروغی. تاریخ ساخت بنا به سالهای 1320-1323 ش بازمی گردد اما تاکنون دستخوش تغییرات بسیاری شده است. با توجه به این که بنای کنیسه پل چوبی در زمان جنگ جهانی دوم و همزمان با اشغال ایران توسط نیروهای متفقین انجام شده، ساختمان آن ترکیبی از معماری سنتی ایرانی و معماری اروپایی می باشد و تزئینات داخلی بسیاری دارد.

8. کنیسه حاداش (نو، حکیم آشر): واقع در خیابان مصطفی خمینی (سیروس سابق)، خیابان پامنار، خیابان نیک ضمیر، کوچه علی اصغر. کنیسه حاداش یکی از قدیمی ترین کنیسه های تهران است که در اودلاجان و در جوار کنیسه تخریب شده حکیم آشر قرار دارد. تا مدت ها مهاجران افغان و مهاجران جنگ تحمیلی در این مکان زندگی می کردند.

9. کنیسه حییم (حسن آباد): واقع در خیابان سی تیر، تقاطع کوچه سیمی و شاطری. کلمه حییم در زبان عبری به معنای «زندگی» می باشد. در گذشته این کنیسه به علت نزدیکی به میدان حسن آباد به «حسن آباد» معروف بود. در سال 1292 ش کنیسه کنونی ساخته شد که اولین کنیسه در خارج از محله اودلاجان بود. دهه 1940 م پس از وقوع جنگ جهانی دوم با پناه آوردن گروهی از یهودیان اروپا به ویژه یهودیان لهستان به ایران، این بنا محل سکونت موقتشان شد و کمی بعد در جبهه غربی محوطه حیاط کنیسه، بنایی برای عبادت یهودیان لهستانی ساخته شد که به کنیسه لهستانی ها یا «دانیال» یا اشکنازی موسوم گشت. این بنا در سال 1384 ش به همت انجمن کلیمیان تهران و حمایت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و در سال 1399 نیز به واسطه ویژگی های معماری که داشت به عنوان موزه ملی کلیمیان به ثبت رسید.

10. کنیسه خراسانی ها: واقع در خیابان زرتشت غربی. در سال 1349 ش این کنیسه توسط مشهدی های مهاجر به تهران ساخته شد و در واقع بخشی از یک مجتمع فرهنگی مشتمل بر یک کنیسه بزرگ، تالار پذیرایی، دفتر انجمن و یک مرکزی آموزش جوانان است. کنیسه خراسانی ها با داشتن معماری نوین الهام گرفته از کنیسه های مدرن در چهارمین طبقه این مجتمع ساخته شده است.

11. کنیسه دروازه دولت: واقع در خیابان سعدی شمالی، کوچه رفعت. بنا در اوایل دهه 1330 ش پس از خروج کلیمیان متمول از محله اودلاجان و مهاجرت به مناطق شرق تهران ساخته شد و مورد استفاده بسیاری از مهاجران شهرستان های دیگر بخصوص اصفهان، کاشان و همدان و همچنین ساکنین اطراف

بازار تهران بود که برای سکونت به دروازه دولت و دروازه شمیران آمده بودند. کنیسه در طبقه دوم ساختمانی که طبقه همکف آن جهت انجام امور اداری مدرسه روحی شاد بود در نظر گرفته شد.

12. کنیسه راه دانش: واقع در خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، خیابان بیستم. نام بنا برگرفته از نام انجمن فرهنگی «گنج دانش» است که در دهه های 30 تا 60 شمسی به ساخت مدارس و انتشار کتب برای کلیمیان می‌پرداخته است. این کنیسه در سال 1345 ش و به موازات ساخت یک مدرسه در یک مجتمع آموزشی ساخته شد و زیر مجموعه آن به حساب می‌آید.

13. کنیسه رفیع‌نیا: واقع در خیابان ولیعصر، خیابان بزرگمهر، خیابان فریمان، بن بست ملک. بنا به همت عبدالرحمان رفیع‌نیا در سال 1337 ش ساخته شد و بازسازی آن در سال 1395 ش صورت گرفت. این بنا در دوره پهلوی با سکونت کلیمیان در محدوده بولوار کشاورز (الیزابت سابق) در دو طبقه احداث و مورد استفاده بود که طبقه اصلی در بالا به مشهدی‌ها و طبقه همکف به کرمانی‌ها اختصاص داشت. امروزه به علت کاهش جمعیت تنها از طبقه بالا استفاده می‌شود و طبقه پایین محل سکونت خادم کنیسه هست.

14. کنیسه زرگریان: واقع در خیابان جمالزاده شمالی، کوچه نیلوفر. بانی بنا عبدالله الیاهو زرگریان است و آن را به علت تراکم بالای ساکنین جدید این منطقه در دوره پهلوی ساخت. این کنیسه بخشی از یک مجتمع آموزشی است که در طبقه چهارم آن قرار دارد و برای سهولت در رفت و آمد سالمندان از ابتدا در طراحی آن یک دستگاه آسانسور در نظر گرفته شد. تاریخ ساخت بنا 1347 ش است.

15. کنیسه سرای سالمندان: واقع در خیابان دماوند، خیابان عاشق‌بها، سرای سالمندان یهود. این کنیسه که پس از احداث سرای سالمندان یهودی در دوره پهلوی و به منظور رفاه حال آنان جهت انجام امور مذهبی احداث شده بود در حال حاضر متروکه و غیرفعال است و در معرض تخریب کامل قرار دارد.

16. کنیسه سید خندان (جلفا): واقع در خیابان ارسباران، بالاتر از پل سیدخندان، خیابان فرخ سرشت. این کنیسه به جلفا نیز مشهور است زیرا نام قدیم خیابان ارسباران جلفا بوده است. کنیسه سیدخندان از جمله کنیسه های مدرن و باشکوه تهران است که در دوره های متاخرتر کنیسه‌سازی یعنی دوره پهلوی دوم تاسیس و ساخته شده است و تزئینات داخلی بسیار زیبایی دارد.

17. کنیسه طرشت: واقع در سه راه طرشت، خیابان کریمی، کوچه شکوفه. این بنا در دوره پهلوی ساخته شده بود و امروزه به دلیل عدم رسیدگی به آن، تخریب شده است.

18. کنیسه عبدالله زاده: واقع در خیابان فلسطین شمالی، کوچه مرتضی زاده. بانی بنا فردی مشهدی به نام عبدالله زاده بود که آن را برای خراسانیانی که به تهران مهاجرت کرده بودند در دوره پهلوی ساخت.

19. کنیسه عزرا یعقوب: واقع در محله اودلاجان، خیابان مصطفی خمینی، کوچه سنگی، کوچه حکیم. بانی بنا عزرایعقوب پسر یعقوب داود است که بنا بر وصیتش و پس از مرگش در سال 1273ش این کنیسه توسط همسرش صنوبر حق نظر برای جمعیت یهودیان اودلاجان و سایر مهاجران از شهرهای دیگر به تهران، ساخته شد. همچنین یک آب انبار و ساختمانی برای مکتب خانه در آن ساخته شد. این کنیسه یکی از قدیمی ترین و بزرگ ترین کنیسه های تهران است که بارها مرمت شده ولی هنوز کاملاً بافت اولیه خود را حفظ نموده است. کنیسه عزرا یعقوب با حیاطی نسبتاً بزرگ مشتمل بر دو کنیسه جدا از هم در مقابل یکدیگر در فاصله یک متری از سطح حیاط ساخته شده است. تا دهه 1340ش، این مکان یکی از مراکز مهم تجمع یهودیان در محله سرچال بود. در سال 1313 تا 1316 عده کثیری از یهودیان بخارا و سمرقند از طریق افغانستان و مشهد به تهران کوچ کرده و موقتاً در این کنیسه ساکن شدند تا زمانی که ترتیب مهاجرت آنان به سمت ارض موعود فراهم آورده شد. همچنین در جریان جنگ جهانی دوم، مهاجرین یهودی لهستان، پس از پناه آوردن به تهران، به طور موقت در این کنیسه سکنا داده شدند.

20. کنیسه عزیزخان (مشهدی ها): واقع در چهارراه عزیزخان، خیابان حافظ، کوچه اقتدار. پس از تأسیس کنیسه حیم، کنیسه عزیزخان دومین کنیسه است که در خارج از محله اودلاجان توسط جامعه یهودیان مشهدی در سال 1300ش تأسیس گردید و نام دیگر آن «بتِ اِل» به معنی خانه خداست. از ویژگی های خاص این کنیسه وجود میقوه (حمام شرعی) بود که به عنوان اولین میقوه شرعی در جامعه یهودیان تهران رسماً بهره برداری شد.

21. کنیسه فخرآباد: واقع در خیابان فخرآباد، کوچه یازدهم. این کنیسه درگذشته از زیباترین کنیسه های تهران بود که در اوایل دوره پهلوی تأسیس شد اما در حال حاضر تخریب شده است.

22. کنیسه کهن: واقع در خیابان نواب صفوی، کوی شهید فرج الهی. این بنا در سال 1329ش توسط حبیب الله کهن و پسرانش تأسیس شد. بنا به صورت ساختمانی دو طبقه است که طبقه همکف آن به دبستانی برای کودکان کلیمی اختصاص داشت و طبقه بالاتر و نیم طبقه روی آن کنیسه است.

23. کنیسه کوروش: واقع در خیابان جمهوری اسلامی، خیابان شیخ هادی، کوچه هاتف. کنیسه در یک مجموعه آموزشی به نام کوروش قرار دارد و برای مهاجرانی که قبل از دهه 1300ش از اودلاجان به خیابان شیخ هادی نقل مکان کرده بودند ساخته شد. هدف از تأسیس این مجموعه آموزشی، ساخت مدارس بود که بر خلاف اهداف آلیانس که یک موسسه فرانسوی بود، به طور مستقل، در امور تعلیم و تربیت نونهالان و جوانان فعال باشند. کنیسه در سال 1306ش در ضلع جنوبی حیاط غربی مدرسه، ساخته شد و تا امروزه همچنان فعال است.

24. کنیسه گرگان: واقع در خیابان گرگان، کوچه کلانتری. این بنا در ابتدای دوره پهلوی برای ساکنان شرق تهران ساخته شد و هم اکنون به دلیل مهاجرت کلیمیان از این منطقه غیر فعال است.

25. کنیسه گیشا: واقع در کوی نصر، خیابان گیشا، خیابان جواد فاضل غربی. کنیسه گیشا از جمه کنیسه های جدیدالاحداث تهران است که در دوره پهلوی دوم و به شیوه ای مدرن طراحی و ساخته شده است.

26. کنیسه لویان: واقع در خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان شهید وحید نظری. موسسین آن خانواده لویان بودند و آن را در دوره پهلوی برای مهاجران مشهودی ساختند. طبقه اول و طبقه دوم دارای دو کنیسه با ظاهر و ساختاری کاملاً مشابه است و طبقه زیرین آن دارای میقوه (حمام شرعی) برای بانوان است که هم اکنون نیز قابل استفاده می باشد.

27. کنیسه ملاحینا: واقع در محله اودلاجان، ضلع جنوبی بیمارستان دکتر سپیر، کوچه مرادی. بانی بنا ملاحینا ملامد یزدی است. این بنا یکی از کوچک ترین و قدیمی ترین کنیسه های یهودیان تهران به شمار می رود و قدمت آن به دوره حکومت مظفرالدین شاه قاجار می رسد. اگرچه ساختمان آن در نیم قرن گذشته یکبار تغییر یافته و بارها نوسازی شده و با معماری قرن حاضر در آمیخته است، ولی همچنان، حال و هوای صدسال پیش را حفظ نموده است. این کنیسه در دوره رضاشاه با گسترش بیماری های عفونی در ایران، به عنوان اولین پایگاه کانون خیرخواه موجودیت خود را اعلام کرد و دکتر سپیر در اطاقی که بدین منظور اختصاص داده شده بود، به معالجه بیماران به طور مستمر می پرداخت.

28. کنیسه نصرت: واقع در ضلع جنوبی میدان توحید، خیابان نصرت غربی. این کنیسه در دوره پهلوی برای ساکنین خیابان نصرت بنا گردید اما امروزه به دلیل مهاجرت کلیمیان از این منطقه، غیر فعال است.

29. کنیسه هارامبام: این کنیسه در شرق تهران قرار دارد و در دوره پهلوی برای ساکنان بخش شرقی شهر ساخته شد، اما امروزه سند آن به نام انجمن کلیمیان تهران نیست و همچنان فاقد کاربری است.

30. کنیسه یوسف آباد: واقع در منطقه یوسف آباد تهران، خیابان سیدجمال الدین اسدآبادی، خیابان پانزدهم. کنیسه یوسف آباد به عنوان بزرگ ترین نهاد دینی و فرهنگی یهودیان، مرکزی شاخص و شناخته شده است. بنای اولیه به همت شادروان موسی لوییم معروف به موسی رستگار و همسرش فرزانه برای کلیمیانی که در دهه 1330ش به سمت شمال شهر و منطقه یوسف آباد مهاجرت کرده بودند ساخته شد. کنیسه اولیه که «سوکت شالوم» نام داشت بنایی کوچک بود که به علت تجمع کلیمیان در منطقه، تخلیه و در سال 1344ش کنیسه جدید در مجاورت آن ساخته شد. این بنا بزرگترین کنیسه تهران است و در دو طبقه با گنجایش بیش از 800 نفر همچنان فعال است.

نتیجه گیری

در اهمیت بررسی تاریخی کنیسه‌ها باید گفت که شناخت و معرفی این بناها در واقع مطالعه فرهنگی، آئین و باورهای قومی باستانی است که پس از طی هزاران سال با داشتن تاریخی پر فراز و نشیب همچنان هویت قومی و ملی خود را حفظ کرده‌اند و در دل روزگار ناشناخته و مهجور مانده‌اند. یهودیان در هیچ دوره‌ای از کنیسه و محل عبادت خود دور نبوده‌اند و رمز حفظ بسیاری از ارزشهای دینی آنها حفظ همین بناهاست. کنیسه‌ها برای یهودیان نه تنها مرکز عبادت که مرکز تجمع و همبستگی و اتحاد آنان است. آنان به هر جا که پا می‌گذاشتند مکانی را بدین منظور اختصاص می‌دادند و ضرورت وجود این ابنیه و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی در اکثر ادوار باعث می‌شد که رو به معماری درونگرا بیاورند و این بناها را چنان بسازند که از معماری محیط پیرامون تبعیت کنند. از ورود یهودیان به ایران بیش از 27 قرن و از ورود آنان به تهران بیش از دو قرن می‌گذرد. مهاجرت یهودیان به تهران در اواخر حکومت نادرشاه و اوایل دوره قاجار اتفاق افتاد و اودلاجان اولین محله‌ای بود که در آن ساکن شدند. علت غالب این مهاجرت‌ها شرایط مطلوب و پذیرش این گروه در جامعه جدید بود زیرا در شهری مانند تهران به ویژه پس از پایتخت شدن، اقلیت‌های مذهبی محدودیت‌های کمتری داشتند و با سهولت بیشتری می‌توانستند به انجام فرایض دینی پردازند و از جانب حاکمان حمایت بیشتری دریافت می‌کردند. اولین کنیسه‌ها در تهران چنانچه ذکر شد در محله اودلاجان ساخته شد. کنیسه‌های اولیه که در دوره قاجار ساخته شده بود شامل یک اتاق ساده و گاه بخشی از یک خانه بود اما به مرور بصورت بنایی مجزا در آمد. در اودلاجان بیش از ده کنیسه ساخته شد که اولین آن کنیسه حاجی برخوردار و کنیسه خاله بود و چندین کنیسه نیز برای مهاجران شهرستانی ساخته شده بود که به مرور تخریب گشت و امروزه تنها سه کنیسه عزرا یعقوب، حاداش و ملاحینا باقی مانده است. با گسترش شهر تهران و تغییر بافت در اودلاجان و افزایش مهاجرت‌ها به تهران عده زیادی از کلیمیان که از تمکن مالی بیشتری نسبت به سایر همکیشان خود برخوردار بودند، از اودلاجان به سمت دیگر مناطق از جمله شمال و شرق تهران نقل مکان کردند و به تدریج بر اساس نیاز به مکانهای مذهبی، کنیسه‌هایی در این مناطق برای کلیمیان تأسیس شد. اولین کنیسه ساخته شده در خارج از محله اودلاجان کنیسه حیم در نزدیکی میدان حسن آباد بود. پس از آن با ورود مهاجران مشهدی به تهران کنیسه عزیزخان به عنوان دومین کنیسه در خارج از محله اودلاجان برای مشهدی‌ها ساخته شد. اولین مهاجرت‌ها در دوره قاجار از اودلاجان به سمت خیابان شیخ هادی بود که در ابتدا از کنیسه حیم استفاده می‌کردند و بعد برای دسترسی اهالی به امکانات فرهنگی مذهبی، مجموعه فرهنگی کوروش و سپس کنیسه کوروش احداث شد. کنیسه‌هایی نیز به صورت پراکنده برای گروهی که به سمت شرق تهران مهاجرت کرده بودند ساخته شد که از آن جمله، کنیسه‌های گرگان، پل چوبی، دروازه دولت، باغ

صبا و سرای سالمندان می‌باشد. تعدادی از کنیسه‌ها نیز برای مهاجران سایر کشورها ساخته شد؛ از جمله کنیسهٔ دانیال یا لهستانی‌ها در محوطه کنیسه حیم و کنیسهٔ اتفاق که برای مهاجران عراقی ساخته شد. کنیسه‌هایی نیز برای مهاجران سایر شهرها ساخته شد از جمله کنیسهٔ اورشگرا برای یزدیان و کنیسه‌های عزیزخان، عبدالله‌زاده، رفیع‌نیا، لویان، کهن، نصرت و خراسانی‌ها که برای مهاجران مشهدی با توجه به جمعیت زیاد و پراکندگی آنها در سکونت، در مناطق مختلف ساخته شد. در دورهٔ پهلوی به ویژه دورهٔ دوم، شرایط کلیمیان بسیار مطلوب بود و کنیسه‌ها باشکوه تر و با نمود بیرونی بیشتری در بافت شهری تهران ساخته شد. مهاجرت کلیمیان در این دوره بیشتر به سمت مناطق شمال شهر بود. این کنیسه‌ها گاه به صورت چندین بنا در نزدیکی هم برای ساکنین در یک منطقه بنا شدند مانند مجموعه کنیسه‌های ابریشمی، زرگریان و یوسف آباد واقع در منطقه فلسطین شمالی، امیرآباد و یوسف آباد و گاه به صورت تک واحد برای ساکنان یک محله خاص بنا شده‌اند مانند کنیسه اتحاد در سه راه ژاله، کنیسهٔ گیشا در محلهٔ گیشا، کنیسهٔ فخرآباد در خیابان فخرآباد و کنیسهٔ حکیم در محلهٔ زعفرانیه. بطور کلی کنیسه‌های تهران که متمولین و واقفان نقش بسزایی در تاسیس و گسترش آنها داشته‌اند به علت شرایط اجتماعی حاکم بر یهودیان بناهایی به دور از پیچیدگی در معماری هستند که عنصر تاثیر گذاری در بافت شهری محسوب نمی‌شوند. با این وجود با توجه به اهمیت فرهنگی عنوان شدهٔ این بناها و عدم رسیدگی به آنها به ویژه در سال‌های اخیر که موجب شده شاهد ویرانی و غیرفعال شدن برخی کنیسه‌ها باشیم و برای جلوگیری از تخریب آنها ضروری است تا در حد امکان به معرفی آنها پردازیم و امیدواریم این پژوهش با بضاعت کم خود بتواند برای انجام پژوهش‌هایی وسیع‌تر در آیندهٔ نزدیک راهگشا باشد و شاهد حفظ و شناسایی در خور شأن کنیسه‌ها که میراث فرهنگی به جا مانده از قومی باستانی در ایران است باشیم.

منابع و مآخذ

کتاب مقدس

آقالرپور، بهرام (گادی) (2005م)؛ *سیر تحولات اجتماعی و مذهبی ملت یهود از پیدایش تا دوران جدید*، بی‌جا: شرکت مرتضوی، چاپ اول.

پاپادوپولو، الکساندر (1368)؛ *معماری اسلامی*، ترجمهٔ حشمت جزنی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

تاج‌پور، محمدعلی (1353)؛ *تاریخ دو اقلیت مذهبی یهود و مسیحیت در ایران*، تهران: مؤسسهٔ مطبوعاتی فراهانی

تکمیل همایون، ناصر (1377)؛ *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران*، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

تکمیل همایون، ناصر (1393)؛ *اودلا جان (عودلا جان)*، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

- تکمیل همایون، ناصر (1395)؛ *محلّه کلیمیان تهران*، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- حکمت، علی اصغر (1343)؛ *ایران شهر*، جلد 2، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- دقیقیان، شیرین دخت (1378)؛ *نردبانی به آسمان: نیایشگاه در تاریخ و فلسفه یهود*، تهران: نشر ویدا.
- سنگتراش، فتانه؛ پورمند، حسنعلی (1398)؛ «اندیشه یهودیان در ایجاد کنیسه؛ نمونه موردی: محلّه جویباره در اصفهان»، *مجلّه هنر و تمدن شرق*، سال 7، شماره 26، صص 5-20.
- شهیدی، حسین (1383)؛ *سرگذشت تهران*، تهران: نشر راه مانا.
- فینکلشتاین، ایسرائل؛ آلشرسیلبرمن، نیل (1396)؛ *باستان‌شناسی کتاب مقدس*، ترجمه سعید کریم‌پور، تهران: نشر سبزان.
- قائمى، محمد (1349)؛ *هخامنشیان در تورات*، اصفهان: نشر نشاط.
- کرزن، جرج. ن. (1347)؛ *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، جلد 1، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کوهن شربوئک، دان (1394)؛ *دین یهود*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- لوی، حبیب (1335)؛ *تاریخ یهود ایران*، جلد 1، تهران: کتابفروشی یهودا بروخیم، چاپ اول.
- لوی، حبیب (1339)؛ *تاریخ یهود ایران*، جلد 2-3، تهران: کتابفروشی یهودا بروخیم، چاپ اول.
- مصاحب، غلامحسین (1381)؛ *دایرة المعارف فارسی*، جلد 2، بخش 1، تهران: انتشارات امیرکبیر (کتابهای جیبی).
- مصطفوی، علی اصغر (1369)؛ *ایرانیان یهودی*، چاپ اول، تهران: نشر بامداد.
- ملک، مهران (1396) *گذری بر تاریخچه کنیسه‌های تهران*، شماره 44، نشریه افق بینا، تهران: ارگان انجمن کلیمیان تهران.
- ناس، جان بویور (1354)؛ *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات فرانکلین.
- نقوی، حسین (1389)؛ «یهودیان در سرزمین‌های اسلامی»، *مجله معرفت ادیان*، شماره 5، صص 73-106.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدی قلی‌خان (1363)؛ *گزارش ایران*، به اهتمام محمدعلی سوفی، تهران: نشر نقره، چاپ دوم.
- هینلز، جان راسل (1385)؛ *راهنمای ادیان زنده*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، قم: نشر بوستان کتاب.
- یشایایی، هارون (1388)؛ *ما کلیمی‌ها چگونه آدم‌هایی هستیم؟*، تهران: انتشارات نیلوفر.